

مسیر زندگی لوطی‌های محله خاتم‌الانبیا^(ص) از ۱۰ سال پیش، با راه‌اندازی یک هیئت، تغییر کرد

موکب‌داری «اخراجی‌ها»



راه تجربه



فهمیه شهری | موکب خاتم‌الانبیا^(ص) در بزرگراه پیامبر اعظم^(ص) ۵۱، از سال ۱۳۹۵ هر سال دهه آخر صفر میزبان چندین هزار زائر است. علاوه بر اسکان، وجود غرفه‌های مختلف خیاطی، اصلاح، واکس، ماساژ، کودک، مشاوره، درمان و... آن را به یکی از ایستگاه‌های محبوب زائران پیاده تبدیل کرده است، اما شاید کمترین بداند که بسیاری از خادمین آن «اخراجی‌ها» هستند؛ کسانی که روزی به قداره‌کشی و... معروف بودند، اما به قول خودشان، با ورود به دستگاه امام حسین^(ع) آدم حسابی شده‌اند و حالا خادم آن هستند.

پشت‌صحنه موکب خاتم‌الانبیا^(ص)

هماهنگ کردن قرار مصاحبه با برپاکنندگان موکب کمی زمان می‌برد. محمدآقای بخت‌رونده که مسئول آن است، می‌گوید: بچه‌های ما اهل دیده‌شدن و صحبت کردن در رسانه نیستند. طبع لوطیگری دارند. به سی نفر گفتم، سه نفر آمده‌اند. برادرش مصطفی آمده و اوستا حبیب رضایی و حسن آقای مداح. اوستا حبیب، خیاط است و غرفه خیاطی موکب را می‌گرداند. حسن آقا به قول خودشان آچارفرانسه است؛ همه کار انجام می‌دهد، اما بیشتر، امور مربوط به نذورات و توزیع غذا را برعهده دارد.

محمدآقا صحبت را می‌برد به ۱۰ سال پیش و تعریف می‌کند: سال ۱۳۹۴ هیئتی در محله خاتم‌الانبیا^(ص) شکل گرفت به همان نام خاتم‌الانبیا^(ص). بسیاری از اعضای آن کسانی بودند که به خاطر لوطیگری هایشان در خیلی از محافل امام حسین^(ع) پذیرفته نمی‌شدند. همین سال ۱۳۹۴ آقا محمد و برادرش، مصطفی بخت‌رونده که از اعضای هیئت هستند، توفیق حضور در پیاده روی اربعین را داشتند. سال ۱۳۹۵ که به دلایلی نتوانستند دوباره به این راهپیمایی بروند، آن قدر دل شکسته بودند که آرام و قرار نداشتند. با خودشان گفتند حالا که نشد برویم کربلا، یک میز بگذاریم و چای و استکان از خانه‌هایمان بیاوریم و پذیرای زائران باشیم.

آدم حسابی شدن اخراجی‌های محله توس

طبع بلندشان باز هم آرام نگرفت. دوست داشتند برای امام حسین^(ع) بیش از این‌ها می‌بگزارند. بعد از زندگی‌های اولیه، موکب خاتم‌الانبیا^(ص) را راه انداختند. اعضای هیئت که فهمیدند، آمدند پای کار. خیلی هایشان همان اخراجی‌های توس و خاتم‌الانبیا^(ص) بودند، اما حضور در هیئت، آن‌ها را چنان متحول کرده بود که دیگر آمین مردم و زائران و عزاداران امام حسین^(ع) به شمار می‌رفتند.



محمدآقا تعریف می‌کند: در همین هیئت فراوان داریم افرادی که روزی زن و بچه و حتی پدر و مادر از دستشان به تنگ آمده بودند، اما حالا می‌بگزارند. یکی از اعضا چنان دچار اعتیاد بود که پدر و مادرش آرزوی مرگش را داشتند، اما حضور در هیئت امام حسین^(ع) متحولش کرد. مدت هاست ترک کرده و حالا زن و بچه دارد. به قول ما آدم حسابی شده است و خیلی آبرو مند دارد زندگی می‌کند. در حال حاضر هم موکب ما محلی برای اعلام غفوزندانیان است.

اعلام غفو زندانیان در موکب خاتم‌الانبیا^(ص)

برادرش، مصطفی که انگار برای تعریف کردن این موضوع خیلی اشتیاق دارد، رشته کلام را در دست می‌گیرد و می‌گوید: هر سال زندانی‌هایی را که دوست دارند در پیاده روی روز شهادت امام رضا^(ع) شرکت کنند، برای عزاداری و استراحت به موکب ما می‌آورند. خیلی هایشان در زندان امکان ملاقات ندارند. خانواده هایشان هم می‌آیند اینجایان را ببینند. نمی‌دانید چه صحنه‌هایی رقم می‌خورد. گاهی اشک همه‌مان درمی‌آید. هر سال چند نفر از زندانی‌هایی را که عفو می‌خورند، اینجا اعلام می‌کنند. خیلی حال و هوای قشنگی دارد.

حسن آقای مداح که از سال ۱۴۰۰ جزو خادمین ثابت موکب است، ادامه می‌دهد: چندین بار پیش آمده است که شب، وقتی درهای محل اسکان بانوان را بسته‌ام، زائر جدیدی آمده و گفته با وجود خستگی، خودش را به موکب مارسانده است، چون اینجا احساس امنیت بیشتری دارد و می‌خواسته است شب را اینجا بخوابد.

بی‌شیله‌پيله بودن موکب

او ادامه می‌دهد: چون مادر مسیر ورودی مشهد هستیم، هر سال مسئولان مختلفی برای بازدید می‌آیند؛ فرماندار، شهردار، سرهنگ، قاضی، نماینده‌های مجلس و... این قدر بچه‌های ما صاف و صادق هستند و دلی و مخلصانه کار می‌کنند که خیلی از این‌ها نمک‌گیر همین موکب می‌شوند. گاهی فلان مسئول آمده برای بازدید و چون همان لحظه نیاز به کمک داشته‌ایم خادم‌ها به عنوان مثال گفته‌اند آقا بیا سر این دیگ را بگیر.

در حالی که همگی از بیان این موضوع خنده بر صورتشان نقش بسته است، محمدآقا تلفن همراهش را در می‌آورد و در گالری آن تصاویر مسئولان مختلفی را نشان می‌دهد که در موکب در حال ظرف شستن، چای ریختن و... هستند.

به گفته او، خیلی از مسئولان، بازدید هایشان را می‌روند و آخر سر که می‌خواهند دلی کار کنند، می‌آیند موکب خاتم‌الانبیا^(ص) و می‌گویند اینجا بی‌شیله‌پيله تراست و راحت‌تریم.

موکب‌داری سید جعفر عراقی از کربلا تا مشهد

اوستا حبیب از سید جعفر یاد می‌کند و می‌گوید: یکی از روحانی‌های محلمان در پیاده روی اربعین برای یکی از موکب‌داران عراقی به نام سید جعفر تعریف کرده بود که ما هم در مشهد، ایام دهه آخر صفر، موکب برپا می‌کنیم.

این باعث می‌شود سید جعفر بعد از اربعین که به مشهد می‌آید، غذای نذری برای موکب خاتم‌الانبیا^(ص) بیاورد. اما این قدر از حال و هوای خادم‌ها و موکب خوشش می‌آید که حالا هر سال خودش هم می‌آید در موکب می‌نشیند و نذری‌اش را هم همین‌جا می‌پزد. اوستا حبیب ادامه می‌دهد: پارسال هشت گوسفند آورد و حلیم پختیم. به سبک خود عراقی‌ها بالش می‌گذارند و چنان به آن تکیه می‌کنند و زوار را خوشامد می‌گویند که انگار موکب خودش است.

اواخر سال پیش یادمی‌کندمی‌گوید: آن زمان برای سیاه‌پوش کردن موکب، چادرها و روسری‌های مادرانمان را آوردیم و بیرق و شال‌عزارا با این‌ها دوختیم، ولی حالا به لطف امام حسین^(ع) و امام رضا^(ع) هر سال داریم خدماتی بهتر از سال قبل ارائه می‌دهیم.

درب خانه‌هایمان به روی زوار باز است

محمدآقا صحبت او را این‌طور ادامه می‌دهد: چندین حسینی و مسجد و آشپزخانه محل برای پخت‌و‌آسکان زائر و... در اختیار ماست. درب خانه‌های همگی مان به روی زوار باز است. گمانم بزرگ‌ترین شام‌غریبان منطقه در شب

شهادت امام حسین^(ع) مال ما باشد. همین امسال حدود بیست علم باجمعی بیش از چهارپنج هزار نفر آمده بودند. دسته‌روی جاماندگان اربعین را داریم. روزانه بیش از ۱۰ هزار نفر را اطعام می‌کنیم. خدا را شکر خادم امام حسین^(ع) و میزبان زوار امام رضا^(ع) هستیم.

آقا مصطفی می‌گوید: موکب ما با کمک‌های مردمی اداره می‌شود. سعی داریم از هر چیزی اعم از چای، شربت و غذا و... بهترین‌ها را تهیه کنیم. فقط مشکل تأمین سرویس بهداشتی و حمام برای زوار را داریم. چون زمین متعلق به خودمان نیست، نمی‌توانیم در آن سرویس بهداشتی مناسب و در شأن زائر بسازیم. شهرداری گفته است امسال چهار چشمه سیار به ما می‌دهد، اما با این حجم زائری که می‌آید، کم است.

او از خواهران زین‌اوقلی یاد می‌کند و می‌گوید: این زمین مال آن‌هاست. خدا خیرشان دهد، اجازه داده اند هر سال در زمینشان موکب را دایر کنیم.

محمدآقا حرف آخر را می‌زند: در دستگاه ائمه^(ع) مهم شروع کار است. مامی خواستیم یک چای خانه ساده بزنیم، رسیدیم به چنین موکبی. باقی‌اش را هم خودشان درست می‌کنند.